

شهید مجید جمالی



نام پدر	منصور
تاریخ تولد	۱۳۵۱/۱۲/۲۲
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۶/۰۸/۰۳
محل شهادت	فاو
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	بrazجان

زندگینامه

زندگینامه شهید:

زندگی نامه بسیجی جان برکف شهید شاهد مجید جمالی :

((ان الله اشتری المومنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة.))

شهید مجید جمالی فرزند منصور در سال ۱۳۴۹ در خانواده ای متوسط اما متعقد به احکام دین مبین اسلام در روستای کره بند چشم به جهان گشود اما پدرش به دلیل عدم وجود استطاعت مالی وی به همراه خانواده اش به شهر برازجان مهاجرت نمود و در این شهر تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان ابن سینا آغاز نمود و با موفقیت دوره ابتدایی را به پایان رسانید وی جهت ادامه تحصیل وارد دوره راهنمایی شد و دوره راهنمایی را پایان رسانید. شهید بفرمان امام مبنی بر تشکیل ارتش بیست میلیونی بمنظور حفظ حراست از دست آوردهای انقلاب اسلامی وارد بسیج گردید و با ثبت نام به بسیج مرکزی برازجان از هیچ نوع کمکی دریغ ننمود و بیشتر اوقات خود را صرف خدمت به مردم و انقلاب اسلامی نمود از خصوصیات بارز و اخلاقی شهید خوش برخوردی با تمام افراد شخصی متین و بردبار که قلم از نوشتن آن عاجز و زبان از بیان آن الکن است شهید سه بار به ندای امام لبیک گفته و عازم جبهه های نور علیه ظلمت گردید و برای بار چهارم برای مقابله با صدام تجاوزگر عازم جبهه ها شد و در مورخه ۳/۸/۶۶ در محل فاو با خون سرخ خویش ندای مظلومیتش را به گوش محرومان جهان رسانید که امید است که همه ما از پویندگان راه خونینش قرار بگیریم .

روحش با تمام شهدا بدر وحنین محشور و نام بلندش بر جهان اسلام زینده باد.

وصیت نامه

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احيا عند ربهم يرزقون .

آنهایی که در راه خدا کشته می شوند مرده نپندارید بلکه زنده اند و نزد خدای خود روزی می گیرند. با درود به یگانه منجی عالم بشریت مهدی موعود(عج) و نایب برحقش امام خمینی وبا سلام به تمامی شهیدان از بدر تاکنون چهارده قرن است که از دین مقدس اسلام می گذرد و همواره این دین خطر و هجوم کافران بوده است و حتی پیامبر اسلام بطور مخفیانه مردم را به این دین مقدس و پاکی دعوت می کرد ای کسانی که به ظاهر مسلمان و خود را شیعه علی (ع) می دانید پس چرا دین اسلام را یاری نمی کنید و در میان مردم تفرقه ایجاد می کنید و مردم را به این انقلاب بدبین می کنید باز هم خداوند شما را عفو می کند تا فرصت هست بیایید توبه کنید و در جهاد شرکت کنید براستی که خداوند توبه پذیر است بیایید به ندای هل من ناصر ینصرنی لبیک بگویید و حسین زمانتان را یاری کنید امت حزب الله و شهید پرور شما چشم چراغ این ملت هستید شما همیشه در صحنه هستید و خواهید بود و تا آخرین نفس اسلام و امام را داشته باشید چه دینی بهتر از اسلام و چه پیامبری باارزش تر از محمد بن عبدالله (ص) که آخرین نبی خدا هستند شما با حضور داشتن در صحنه چهره منافقان را نابود می سازید امیدوارم که خداوند انشاءالله این امام عزیز را برای ما نگهدارید تا بتوانیم از این نور الهی استفاده کنیم زمان امتحان فرا رسید حساب کنید زمان حسین بن علی (ع) است و می خواهید حسین را یاری کنید پس بیایید در این امتحان شرکت کنید امتحان جنگ است و فارغ التحصیل شدن از آن شهادت اگر همه این شرط را قبول داشته باشید دیگر در نزد پل صراط پایتان نخواهید لرزید و علی (ع) با شما همنشین خواهد بود وصیتی که برای پدر و مادر م دارم این است که به جای گریه خنده بر لبان شما نقش بندد و به جای لباس عزای لباس خوشحالی را بر تن کنید و برای پیروزی رزمندگان اسلام دعا کنید که خداوند قربانی شما را بپذیرد. ۶/۵/۶۵

خاطرات

مصاحبه با برادر شهید مجید جمالی :

رفتار و اخلاق او در میان اعضای خانواده بسیار خوب و ملایم بود و با این اخلاق و رفتار خود را آراسته و فردی با عزت و سربلند شده بود. همیشه به بزرگتر و حتی کوچکتر از خود احترام می گذاشت پیش از همه سلام می کرد و نماز را به موقع می خواند پس از نماز قرآن تلاوت می نمود و همیشه نام خدا را بر زبان می آورد. با پدر و مادر به مهربانی رفتار می کرد و همیشه به آنها احترام می گذاشت به حرف آنها گوش فرا می داد و در بیشتر مواقع به آنها کمک می کرد و پدر و مادر خویش را در مورد محبت خود قرار می داد. او با دیگر اعضای خانواده رفتاری بسیار مهربانانه داشت و یکی دیگر از خصوصیات او در این زمینه خوش خلق و خوش رفتار بودن او نسبت به اعضای خانواده بود. از جبهه و جنگ شهید و شهادت مهر وفا و صمیمیتی که در میان بسیجیان و همرزمان بو سخن می گفت و همه را به خواندن قرآن و ذکر خدا و نماز به موقع دعوت می کرد. او محبوبیت خاصی در میان مردم داشت همه به او احترام می گذاشتند و او را بعنوان فردی با ایمان پاک و صالح می شناختند. تا آنجا که می توانستند نمی گذاشتند که حقی از مسلمانی ضایع شود هیچ گاه قرآن خواندن را ترک نکرد. عقیده داشت که که همگی باید در این گونه نمازها شرکت کنند او می گفت ثواب نماز جماعت خیلی بیشتر از نماز فرادا است. او شناخت زیادی از اهل بیت (ع) و ائمه طاهرین (ع) داشت و سعی می کرد که رفتارها و کردهای خود مانند آنها انجام دهد همیشه اهل بیت و ائمه را الگوی خود قرار می داد و از خوبی ها و مهربانی های آنها برای دیگران مثال می زد. تنها خواسته و آرزوی او این بود که با دشمنان اسلام بجنگد و در این راه به مقام بلند شهادت دست یابد. عاشق شهادت بود و دوست داشت به مقام بلند شهادت دست یابد او می گفت بهترین راه برای از این دنیا رفتن شهید شدن است. قبل از شهادت وی یکی از همسایه ها خواب دیده بود که برادرم سبز پوش و سوار بر اسبی سبز و بال دار آمده و در آسمان در حال پرواز است. او دوره دبستان خود را در دبستان ابن سینا با موفقیت گذارند و دوره راهنمایی خود را در مدرسه مصطفی خمینی گذارند او فقط یک ماه از دبیرستان را رفت و قصد رفتن به جبهه را نمود. در اوقات فراغت خود به بسیج ابوذر و ثامن الائمه می رفت. اولین بار در سن ۱۶ سالگی به جبهه بعنوان نیروی جهادگر عازم جبهه شد. و بسیار خوشحال بود که می تواند به جبهه برود و به نوعی به مردم خدمت کند. هر وقت که از جبهه بر می گشت مثل اینکه پشیمان شده و می گفت کاش به خانه بر نمی گشتم و در همان جا دشمنان را نابود می کردم کاش می ماندم و به کمک دوستانم می شتافتم. یکبار خاطره ای برای ما تعریف می کرد و می گفت که یک شب ساعت ده یک نارنجک را می خواستیم منفجر کنیم ضامن را کشیدیم نارنجک از دست ما افتاد و دوستان را دور کردم که زخمی نشود نارنجک را پیدا کردم و پرتاب کردم به دور ولی منفجر نشد و خداوند به ما خیلی کمک کرد. از طریق پسر خاله ام که در واقع یکی از همرزمان او نیز بودند از طریق تلفن ما را خبر دار کرد. از طرفی ناراحت بودیم که برادر عزیزمان را از دست داده ایم و از طرفی خوشحال بودیم که ایشان به مقام بلند شهادت دست و به تنها آرزوی رسیدن است. و او را در بهشت سجاد برازجان به خاک سپردیم.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران